

تحلیل ترجمه سیدجعفر شهیدی از خطبه ۹۰ نهج البلاغه
بر اساس الگوی کارمن والرو گارسس (سطوح واژگانی و سبکی)

حمیده سادات علوی^۱

چکیده

این پژوهش به تحلیل کیفیت ترجمه‌ی دکتر سیدجعفر شهیدی از خطبه‌ی ۹۰ نهج البلاغه (براساس نسخه‌ی صبحی صالح) با تکیه بر الگوی کارمن والرو گارسس در دو سطح معنایی-واژگانی و سبکی می‌پردازد. خطبه‌ی ۹۰ که مشتمل بر حمد و توصیف خداوند، اشاره‌ای به مخلوقات و توصیه‌ای خطاب به بندگان است، به دلیل ساختار بلاغی فشرده، سجع و ایجاز، برای بررسی برگزیده شده است. روش پژوهش، توصیفی-تحلیلی با رویکرد کیفی است و متن خطبه در پنج بخش معنایی تقسیم و به صورت تطبیقی تحلیل شده است. یافته‌ها نشان می‌دهد شهیدی در سطح معنایی-واژگانی، معادل‌یابی نسبتاً دقیق و مقصدگرا ارائه کرده و با بهره‌گیری از بسط توضیحی، فهم مفاهیم پیچیده را تسهیل نموده است. در سطح سبکی، لحن والا، ایجاز و برخی صور خیال همچون استعاره حفظ شده، اما شدت سجع به سبب محدودیت‌های زبان فارسی کاهش یافته است. این بررسی نشان می‌دهد ترجمه‌ی شهیدی نمونه‌ای موفق در انتقال مفاهیم دینی و ادبی است، هرچند می‌توانست با انتخاب واژگانی موزون‌تر، بازآفرینی سجع را تقویت کند. در پایان، پیشنهادهایی برای تحلیل خطبه‌های دیگر و مقایسه با سایر ترجمه‌ها ارائه شده است.

کلیدواژه‌ها: ترجمه متون دینی، خطبه ۹۰ نهج البلاغه، سبک شناسی، سطح واژگانی، سیدجعفر شهیدی، مدل کارمن والرو گارسس.

alavi.sadat.h@gmail.com

^۱ طلبه، سطح ۲ مرکز آموزش های غیر حضوری حوزه علمیه خواهران، قم، ایران.

ORCID: ۰۰۰۹-۰۰۰۳-۰۲۱۴-۴۲۷

نهج البلاغه، مجموعه‌ای از سخنان، نامه‌ها و خطبه‌های امام علی علیه‌السلام، یکی از برجسته‌ترین آثار دینی و ادبی جهان اسلام است و از نظر بلاغت، فصاحت و مضامین عمیق اعتقادی و اخلاقی، جایگاهی ممتاز در ادبیات عرب دارد (صبحی صالح، ۲۰۰۴). ترجمه این خطبه‌ها به زبان‌های دیگر، به‌ویژه فارسی، نقش مهمی در انتقال مفاهیم بلند و زیبایی‌های ادبی آن برای مخاطبان غیرعربی‌زبان ایفا می‌کند. خطبه ۹۰ نهج البلاغه (براساس نسخه‌ی صبحی صالح) خطبه‌ای کوتاه است که با حمد و توصیف خداوند آغاز و با توصیه‌ای اخلاقی به بندگان پایان می‌یابد و به‌سبب ساختار بلاغی فشرده و بهره‌گیری از صور خیال همچون سجع و ایجاز، نمونه‌ای ارزشمند برای بررسی کیفیت ترجمه‌های دینی و ادبی محسوب می‌شود.

ترجمه دکتر سیدجعفر شهیدی از نهج البلاغه به دلیل دقت، نثر روان و توجه به جنبه‌های ادبی، یکی از معتبرترین ترجمه‌های فارسی این اثر به شمار می‌رود (شهیدی، ۱۳۷۸). مطالعات پیشین نشان می‌دهد که ترجمه‌های نهج البلاغه بارها مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته‌اند. برای نمونه، متقی‌زاده، حاجی‌خانی و مدیری (۱۴۰۰) در مقاله‌ای با عنوان «ارزیابی کیفیت ترجمه حکمت‌های نهج البلاغه با تکیه بر مدل کارمن گارسس (مطالعه موردی ترجمه شهیدی و دشتی)» کیفیت ترجمه‌های شهیدی و دشتی را مقایسه کرده و نشان داده‌اند که ترجمه شهیدی در سطوح معنایی-واژگانی و سبکی دقیق‌تر و مقصدگراتر است. همچنین، حاجی‌زاده، فرهادی و فرهادی (۱۳۹۸) در پژوهشی با عنوان «نقد و ارزیابی ترجمه محمد دشتی از نهج البلاغه براساس مدل گارسس (۱۹۹۴) (مطالعه موردی: ترجمه خطبه اول و حکمت‌های ۱ تا ۲۰)» به بررسی کیفیت ترجمه دشتی در چهار سطح مدل گارسس پرداخته و نتیجه گرفته‌اند که این ترجمه مقبول و مقصدگرا است، هرچند در برخی سطوح نحوی و سبکی نیاز به بهبود دارد. علاوه بر این، رحیمی خویگانی، کرمی و باقری دهبازز (۱۳۹۷) در مقاله «نقدی بر انتخاب‌های واژگانی محمد دشتی در ترجمه نهج البلاغه از منظر سطح معنایی - لغوی گارسس» به نقد انتخاب‌های واژگانی پرداخته و نشان داده‌اند که مترجم در حفظ معانی ضمنی و فرهنگی موفق عمل کرده، اما در برخی موارد به دلیل استراتژی‌های افزایشی، از وفاداری به متن مبدأ کاسته شده است. در مطالعه دیگری، احمدی بیغش و قمرزاده (۱۴۰۰) در مقاله «بررسی حسن تعبیر برگزیده نهج البلاغه بر اساس سطح دوم مدل گارسس (مطالعه موردی: ترجمه فیض الاسلام،

شهیدی، دشتی، جعفری، انصاریان، مکارم شیرازی)» با تمرکز بر سطح نحوی-واژه‌شناختی، ترجمه‌های منتخب فارسی را تطبیقی تحلیل کرده و بر حفظ ساختار دستوری عربی در برابر انطباق با نثر فارسی تأکید ورزیده‌اند. با این حال، خطبه ۹۰ به‌طور خاص در نسخه صبحی صالح (۲۰۰۴) مورد بررسی قرار نگرفته و پژوهشی جامع بر اساس مدل گارسس در این زمینه انجام نشده است؛ این خلأ پژوهشی ضرورت تحلیل دقیق‌تر ترجمه شهیدی از این خطبه را برجسته می‌سازد.

مسئله‌ی اصلی این پژوهش، ارزیابی کیفیت ترجمه‌ی شهیدی در دو سطح معنایی- واژگانی (معادل‌یابی، تعادل فرهنگی، بسط/قبض) و سبکی- عملی (حفظ سجع، ایجاز و نثر موزون) است و سؤال اصلی پژوهش این است: «ترجمه‌ی سیدجعفر شهیدی از خطبه‌ی ۹۰ نهج‌البلاغه تا چه حد توانسته است ویژگی‌های معنایی- واژگانی و سبکی- عملی متن اصلی را بر اساس الگوی گارسس منتقل کند؟ (Valero-Garcés, ۲۰۰۸)

چارچوب نظری پژوهش به بررسی الگوی کارمن والرو گارسس و کاربرد آن در تحلیل ترجمه اختصاص دارد و سطوح واژگانی و سبکی ترجمه در این چارچوب مورد توجه قرار گرفته‌اند. (Valero-Garcés, ۲۰۰۸)

روش‌شناسی پژوهش توصیفی-تحلیلی است و ابزارهای تحلیل شامل بررسی دقیق متن عربی خطبه (صبحی صالح، ۲۰۰۴) و ترجمه فارسی آن (شهیدی، ۱۳۷۸)، استخراج نمونه‌های واژگانی و سبکی، و تحلیل تطبیقی این نمونه‌ها بر اساس سطوح الگوی گارسس می‌باشد، که امکان ارزیابی دقیق ویژگی‌های سبک‌شناسی و دقت واژگانی ترجمه شهیدی را فراهم می‌آورد.

هدف پژوهش تحلیل کیفیت ترجمه‌ی سیدجعفر شهیدی از خطبه‌ی ۹۰ نهج‌البلاغه با استفاده از الگوی کارمن والرو گارسس در دو سطح معنایی-واژگانی و سبکی-عملی است و مطالعه به دنبال شناسایی نقاط قوت و کاستی‌های احتمالی این ترجمه و ارائه پیشنهادهایی برای بهبود ترجمه متون دینی و ادبی می‌باشد. این مقاله پس از بیان مقدمه، چارچوب نظری و روش‌شناسی را تشریح کرده، ترجمه خطبه را در دو سطح واژگانی و سبکی بررسی و تحلیل می‌کند و در پایان یافته‌ها را جمع‌بندی و نتیجه‌گیری کرده و پیشنهادهایی برای پژوهش‌های آینده ارائه می‌دهد.

الگوی کارمن والرو گارسس (۲۰۰۸) چارچوبی جامع و چندسطحی برای ارزیابی کیفیت ترجمه ارائه می‌دهد که با تمرکز بر جنبه‌های مختلف متن، امکان تحلیل دقیق وفاداری معنایی و زیبایی‌شناسی سبکی را فراهم می‌کند. این الگو شامل چهار سطح اصلی است: معنایی-واژگانی، نحوی-واژه‌ساختی، گفتمانی-کارکردی، و سبکی-عملی.

۱. در سطح معنایی-واژگانی، تمرکز بر معادل‌یابی دقیق واژگان، حفظ تعادل فرهنگی بین زبان مبدأ و مقصد، استفاده از بسط یا قبض برای رفع ابهامات، و انتقال صحیح مفاهیم و اصطلاحات تخصصی است. این سطح برای متون دینی و ادبی با واژگان پیچیده و فرهنگ‌محور، مانند نهج‌البلاغه، اهمیت ویژه‌ای دارد.

۲. سطح نحوی-واژه‌ساختی به بررسی ساختارهای دستوری، ترتیب کلمات، و انسجام نحوی در ترجمه می‌پردازد و اطمینان می‌دهد که قواعد دستوری زبان مقصد رعایت شده و ساختارهای زبان مبدأ به درستی منتقل شوند.

۳. سطح گفتمانی-کارکردی بر حفظ کارکردهای گفتمانی متن، مانند نیت نویسنده، لحن، و تأثیرگذاری بر مخاطب، تمرکز دارد و نقش متن در بافت فرهنگی و اجتماعی مقصد را ارزیابی می‌کند.

۴. سطح سبکی-عملی به انتقال ویژگی‌های بلاغی و زیبایی‌شناختی، مانند صور خیال (سجع، استعاره، و تشبیه)، ریتم کلام، و نثر موزون، می‌پردازد و برای متون ادبی با سبک پیچیده حیاتی است.

این الگو به دلیل جامعیت، برای تحلیل متون دینی و ادبی با ویژگی‌های بلاغی پیچیده مناسب است و امکان ارزیابی هم‌زمان وفاداری معنایی و بازآفرینی سبکی را فراهم می‌کند. در این پژوهش، با توجه به ویژگی‌های بلاغی و معنایی خطبه‌ی ۹۰ نهج‌البلاغه، دو سطح معنایی-واژگانی و سبکی-عملی برای تحلیل انتخاب شده‌اند (Valero-Garcés, ۲۰۰۸).

تحلیل در سطح معنایی-واژگانی شامل بررسی موارد زیر است:

- معادل‌یابی: دقت و تناسب واژگان انتخاب‌شده در انتقال معنای متن اصلی.
- تعادل فرهنگی: سازگاری واژگان با زمینه‌ی دینی و فرهنگی مخاطب فارسی‌زبان.
- بسط یا قبض: افزودن توضیحات اضافی یا حذف جزئیات غیرضروری.
- رفع ابهام: برطرف کردن ابهام‌های احتمالی عبارات چندمعنایی.

تحلیل در سطح سبکی-عملی شامل ارزیابی معیارهای زیر است :

- حفظ صور خیال: انتقال سجع، تشبیه، یا استعاره (در صورت وجود) .
- ریتم و موسیقی کلام: حفظ سجع و موازنه در عبارات ترجمه شده .
- نثر موزون و روان: فصاحت، ایجاز، و خوانایی نثر ترجمه در مقایسه با متن اصلی

ترجمه‌ی سیدجعفر شهیدی از نهج‌البلاغه به دلیل دقت بالا در معادلیابی، نثر روان و فصیح، و توجه به صور خیال مانند سجع، استعاره، و ایجاز، یکی از معتبرترین ترجمه‌های فارسی این اثر است. شهیدی با رویکرد مقصدگرا، مفاهیم پیچیده را با استفاده از تعلیقات توضیحی و بسط عبارات قابل فهم کرده و این ترجمه در سال ۱۳۶۹ به عنوان کتاب سال جمهوری اسلامی ایران برگزیده شده است (شهیدی، ۱۳۷۸، ص ۱).

داده‌های این پژوهش از دو منبع اصلی گردآوری شده‌اند :

- متن اصلی خطبه‌ی ۹۰: از نسخه‌ی صبحی صالح (نهج‌البلاغه، ۲۰۰۴) که به دلیل اعتبار و استفاده‌ی گسترده در مطالعات نهج‌البلاغه انتخاب شده است .
- ترجمه‌ی شهیدی: از کتاب نهج‌البلاغه با ترجمه‌ی سیدجعفر شهیدی (۱۳۷۸) که به دلیل دقت و شهرت در میان ترجمه‌های فارسی برگزیده شده است.

این پژوهش از روش توصیفی-تحلیلی با رویکرد کیفی استفاده می‌کند. خطبه‌ی ۹۰ به پنج بخش معنایی تقسیم شده و تحلیل با الگوی گارسس در دو سطح معنایی-واژگانی و سبکی-عملی انجام می‌شود. مراحل تحلیل شامل استخراج نمونه‌های واژگانی و سبکی از متن اصلی و ترجمه، مقایسه‌ی تطبیقی این نمونه‌ها، و ارزیابی آن‌ها بر اساس معیارهای الگوی گارسس است. این روش امکان بررسی دقیق وفاداری معنایی و بازآفرینی ویژگی‌های بلاغی ترجمه را فراهم می‌کند.

خطبه‌ی ۹۰ نهج‌البلاغه به دلیل ویژگی‌های بلاغی و معنایی برجسته، بستری مناسب برای تحلیل کیفیت ترجمه فراهم می‌کند. برای دقت بیشتر در ارزیابی کیفیت ترجمه‌ی سیدجعفر شهیدی با استفاده از الگوی کارمن والرو

گارسس (۲۰۰۸) در دو سطح معنایی-واژگانی و سبکی-عملی، خطبه به پنج بخش معنایی تقسیم شده است: (۱) حمد و توصیف خداوند، (۲) توصیف مخلوقات، (۳) توصیف قدرت خداوند، (۴) ویژگی‌های الهی، (۵) نصیحت به بندگان.

بخش ۱: حمد و توصیف خداوند

متن عربی: الْحَمْدُ لِلَّهِ الْمَعْرُوفِ مِنْ غَيْرِ رُؤْيَاهُ وَالْخَالِقِ مِنْ غَيْرِ رُؤْيَاهُ الَّذِي لَمْ يَزَلْ قَائِمًا دَائِمًا (صبحی صالح، ۲۰۰۴، صص. ۱۲۲-۱۲۳).

ترجمه‌ی شهیدی: سپاس خدای را که شناخته است، بی آنکه دیده شود، و آفریننده است، بی آنکه اندیشه ای به کار برد. بود، و کار جهان را اداره می نمود (شهیدی، ۱۳۷۸، ص. ۷۳).

• معنایی-واژگانی :

- معادل‌یابی: «الْحَمْدُ لِلَّهِ» به «سپاس خدای را» ترجمه شده که معادلی دقیق و رایج در متون دینی فارسی است. «الْمَعْرُوفِ مِنْ غَيْرِ رُؤْيَاهُ» به «شناخته است، بی آنکه دیده شود» و «مِنْ غَيْرِ رُؤْيَاهُ» به «بی آنکه اندیشه ای به کار برد» ترجمه شده‌اند که مفاهیم شناخت خداوند بدون رویت و خلقت بدون تأمل را به درستی منتقل می‌کنند.
- تعادل فرهنگی: واژه‌های «سپاس»، «شناخته»، و «آفریننده» با فرهنگ دینی اسلامی-فارسی سازگارند و برای مخاطب عام قابل فهم هستند.
- بسط یا قبض: شهیدی در «الَّذِي لَمْ يَزَلْ قَائِمًا دَائِمًا» با افزودن «کار جهان را اداره می نمود» بسط توضیحی انجام داده که مفهوم قائم و دائم بودن خداوند را روشن‌تر می‌کند.
- رفع ابهام: عبارت «مِنْ غَيْرِ رُؤْيَاهُ» که می‌توانست مبهم باشد، با «بی آنکه اندیشه ای به کار برد» به گونه‌ای ترجمه شده که معنای خلقت بی‌نیاز از تأمل را برای مخاطب واضح می‌کند.

• سبکی-عملی :

○ حفظ صور خیال: این بخش فاقد تشبیه یا استعاره‌ی مستقیم است، اما لحن والای حمد به‌خوبی در ترجمه حفظ شده است.

○ ریتم و موسیقی کلام: سجع متوازن متن اصلی («مِنْ غَيْرِ رُؤْيَةٍ»، «مِنْ غَيْرِ رَوِيَّةٍ») با تکرار «بی آنکه» تا حدی بازآفرینی شده، اما شدت ریتم سجع‌دار به دلیل محدودیت‌های زبان فارسی کاهش یافته است.

○ نثر موزون: نثر شهیدی روان، کوتاه، و متناسب با لحن والای دینی متن اصلی است و فصاحت آن را تا حد زیادی منتقل می‌کند.

• یافته: ترجمه‌ی شهیدی در این بخش دقیق، مقصدگرا، و تأثیرگذار است. بسط توضیحی فهم مفاهیم عمیق را برای مخاطب عام تسهیل کرده، اما کاهش شدت سجع اندکی از زیبایی بلاغی کاسته است.

بخش ۲: توصیف مخلوقات

متن عربی: إِذْ لَا سَمَاءَ ذَاتُ أَبْرَاجٍ وَلَا حُجُبٌ ذَاتُ إِرْتَاجٍ وَلَا لَيْلٌ دَاجٍ وَلَا بَحْرٌ سَاجٍ وَلَا جَبَلٌ ذُو فِجَاجٍ وَلَا فَجٌّ ذُو اَعْوِجَاجٍ وَلَا أَرْضٌ ذَاتُ مِهَادٍ وَلَا خَلْقٌ ذُو اَعْتِمَادٍ (صبحی صالح، ۲۰۰۴، ص. ۱۲۳).

ترجمه‌ی شهیدی: هنگامی که نه از آسمان نشانی بود، و نه از ستارگان، نه از فلک توی بر توی، که در شدن در آن نتوان. نه شبی تیره فام، نه دریایی آرام. نه کوهی با راههای گشاده، و نه دره ای پیچ و خم در آن افتاده، نه زمینی گسترده، و نه آفریده ای بر روی آن رونده (شهیدی، ۱۳۷۸، ص. ۷۳).

• معنایی-واژگانی :

○ **معادل‌یابی:** «لَیْلُ دَاجٍ» به «شبی تیره فام» و «بَحْرُ سَاجٍ» به «دریایی آرام» ترجمه شده‌اند که معادل‌هایی دقیق و شاعرانه‌اند. «حُجْبُ ذَاتُ إِرْتَاجٍ» به «فلک توی بر توی، که در شدن در آن نتوان» ترجمه شده که مفهوم آسمان‌های بسته را منتقل می‌کند.

○ **تعادل فرهنگی:** واژه‌های «شبی تیره فام»، «دریایی آرام»، و «زمینی گسترده» با فرهنگ ادبی و دینی فارسی سازگارند و برای مخاطب آشنا هستند.

○ **بسط یا قبض:** بسط در «فلک توی بر توی، که در شدن در آن نتوان» مفهوم پیچیده‌ی «حُجْبُ ذَاتُ إِرْتَاجٍ» را قابل فهم کرده، اما «سَمَاءُ ذَاتُ اَبْرَاجٍ» با «آسمان نشانی و ستارگان» کمی ساده‌سازی شده که از عظمت بلاغی می‌کاهد.

○ **رفع ابهام:** عبارت «حُجْبُ ذَاتُ إِرْتَاجٍ» با بسط توضیحی به‌خوبی روشن شده و ابهام آن برای مخاطب فارسی‌زبان برطرف شده است.

• سبکی-عملی:

○ **حفظ صور خیال:** تشبیه‌های «لَیْلُ دَاجٍ» (شب تیره) و «بَحْرُ سَاجٍ» (دریای آرام) با «شبی تیره فام» و «دریایی آرام» حفظ شده‌اند و شاعرانگی متن را منتقل می‌کنند.

○ **ریتم و موسیقی کلام:** تکرار «لَا» و سجع («اَبْرَاجٍ»، «إِرْتَاجٍ»، «دَاجٍ»، «سَاجٍ») با ساختار «نه... نه» تا حدی بازآفرینی شده، اما شدت ریتم سجع‌دار در فارسی کاهش یافته است.

○ **نثر موزون:** نثر شهیدی شاعرانه، روان، و متناسب با لحن والای متن اصلی است و زیبایی ادبی را تا حد زیادی حفظ کرده است.

• **یافته:** ترجمه‌ی شهیدی شاعرانه، مقصدگرا، و تأثیرگذار است. بسط توضیحی فهم را بهبود بخشیده، اما ساده‌سازی برخی عبارات و کاهش سجع از غنای بلاغی کاسته است.

بخش ۳: توصیف قدرت خداوند

متن عربی: ذَلِكَ مُبْتَدِعُ الْخَلْقِ وَ وَاَرِثُهُ وَ إِلَهُ الْخَلْقِ وَ رَازِقُهُ وَ الشَّمْسُ وَ الْقَمَرُ دَائِبَانِ فِي مَرْضَاتِهِ يُبْلِيَانِ كُلَّ جَدِيدٍ وَ يُقَرِّبَانِ كُلَّ بَعِيدٍ قَسَمَ أَرْزَاقَهُمْ وَ أَحْصَى آثَارَهُمْ وَ أَعْمَلَهُمْ وَ عَدَدَ أَنْفُسِهِمْ وَ خَائِنَةً أَعْيَنَهُمْ وَ مَا تُخْفِي صُدُورُهُمْ مِنَ الضَّمِيرِ وَ مُسْتَقَرَّهُمْ وَ مُسْتَوْدَعَهُمْ مِنَ الْأَرْحَامِ وَ الظُّهُورِ إِلَى أَنْ تَتَنَاهَى بِهِمُ الْغَايَاتُ (صبحی صالح، ۲۰۰۴، ص. ۱۲۳).

ترجمه‌ی شهیدی: او پدید آورنده آفریدگان، و وارث همگان است. خدای آنان، و روزی دهنده ایشان است. آفتاب و ماه به رضای او گردانند، و هر تازه ای را کهنه می گردانند، و هر دوری را با نزدیک می رسانند. روزی آنان را قسمت کرد، و کردار و رفتارشان برشمرد: از نفسها که زنند، و نگاههای دزدیده که کنند، و رازهایی که در سینه‌ها پنهان دارند، و جایگاه آنان در زهدانهای مادران، و یا پشت پدران، تا آنگاه که عمرشان سر رسد، و اجلشان در رسد. (شهیدی، ۱۳۷۸، ص. ۷۳).

• معنایی-واژگانی :

○ معادل‌یابی: «مُبْتَدِعُ الْخَلْقِ» به «پدید آورنده آفریدگان» و «خَائِنَةً أَعْيَنَهُمْ» به «نگاههای دزدیده» ترجمه شده‌اند که دقیق و شاعرانه‌اند.

○ تعادل فرهنگی: واژه‌های «روزی دهنده»، «نفسها»، و «نگاههای دزدیده» با فرهنگ دینی و ادبی فارسی سازگارند و برای مخاطب قابل فهم هستند.

○ بسط یا قبض: بسط در «نفسها که زنند» و «نگاههای دزدیده که کنند» معنای اعمال و نیت‌های پنهانی را روشن‌تر کرده است.

○ رفع ابهام: «خَائِنَةً أَعْيَنَهُمْ» با «نگاههای دزدیده» به‌خوبی ابهام را برطرف کرده و مفهوم نگاه‌های پنهانی را منتقل کرده است.

• سبکی-عملی :

○ **حفظ صور خیال:** استعاره‌های «یُبْلِیان» (فرسودن) و «یُقَرِّبان» (نزدیک کردن) با «کهنه می گردانند» و «نزدیک می رسانند» حفظ شده‌اند و تأثیر عاطفی متن را منتقل می‌کنند.

○ **ریتم و موسیقی کلام:** سجع («مُبْتَدِعٌ... وَارِثٌ... إِلَهُ... رَازِقٌ») با عبارات موازی تا حدی بازآفرینی شده، اما شدت ریتم کاهش یافته است.

○ **نثر موزون:** نثر شهیدی والا، روان، و شاعرانه است و لحن دینی و عمیق متن را حفظ کرده است.

• **یافته:** ترجمه‌ی شهیدی دقیق، شاعرانه، و تأثیرگذار است. بسط توضیحی فهم را بهبود بخشیده، اما کاهش شدت سجع اندکی از تأثیر بلاغی کاسته است.

بخش ۴: ویژگی‌های الهی

متن عربی: هُوَ الَّذِي اشْتَدَّتْ نِقْمَتُهُ عَلَىٰ أَعْدَائِهِ فِي سَعَةِ رَحْمَتِهِ وَاتَّسَعَتْ رَحْمَتُهُ لِأَوْلِيَائِهِ فِي شِدَّةِ نِقْمَتِهِ فَاهِرٌ مَنْ عَاذَهُ وَمُدْمَرٌ مَنْ شَاقَّهُ وَمَذِلٌّ مَنْ نَاوَاهُ وَغَالِبٌ مَنْ عَادَاهُ مَنْ تَوَكَّلَ عَلَيْهِ كَفَاهُ وَ مَنْ سَأَلَهُ أُعْطَاهُ وَ مَنْ أَقْرَضَهُ قَضَاهُ وَ مَنْ شَكَرَهُ جَزَاهُ (صبحی صالح، ۲۰۰۴، ص. ۱۲۳).

ترجمه‌ی شهیدی: خدایی که کيفر او بر دشمنانش سخت است، و در عین رحمت او برایشان، و رحمت او فراگیر دوستان است، در حال سختگیری او بر آنان. هر که بر او چیرگی جوید، مقهورش سازد، و هر که با او دشمنی ورزد، به هلاکتش دراندازد. هر که با او کینه ورزد، خوارش سازد و تیره روز است، و هر که او را دشمن گیرد، خدا بر او پیروز است. آن را که بر وی توکل کرد بسنده است، و آن را که از او خواست، دهنده، و آن که از او وام گرفت، وامش را گزارنده، و هر که او را سپاس دارد، جزا دهنده. (شهیدی، ۱۳۷۸، ص. ۷۳).

• **معنایی-واژگانی:**

○ **معادل‌یابی:** «نِقْمَتُهُ» به «کيفر» و «رَحْمَتُهُ» به «رحمت» ترجمه شده‌اند که دقیق و متناسب با متن دینی هستند. «قَضَاهُ» به «وامش را گزارنده» ترجمه شده که معنای بازپرداخت الهی را به‌خوبی منتقل می‌کند.

○ **تعادل فرهنگی:** واژه‌های «کیفر»، «رحمت»، و «جزا دهنده» با فرهنگ دینی اسلامی-فارسی سازگارند و برای مخاطب آشنا هستند .

○ **بسط یا قبض:** بسط در «و در عین رحمت او» تقابل بین کیفر و رحمت را برای مخاطب روشن تر کرده است .

○ **رفع ابهام:** «قَضَاءُ» با «وامش را گزارنده» ابهام را برطرف کرده و مفهوم جبران الهی را واضح کرده است.

• سبکی-عملی :

○ **حفظ صور خیال:** تقابل بلاغی «نَقْمَتُهُ» و «رَحْمَتُهُ» با «کیفر» و «رحمت» حفظ شده و تأثیر عاطفی و دینی متن را منتقل می‌کند .

○ **ریتم و موسیقی کلام:** سجع («قَاهِرٌ... مُدَمِّرٌ... مُذِلٌّ... غَالِبٌ») با عبارات موازی تا حدی بازآفرینی شده، اما شدت ریتم کاهش یافته است .

○ **نثر موزون:** نثر شهیدی والا، روان، و متناسب با لحن دینی و حماسی متن اصلی است.

• **یافته:** ترجمه‌ی شهیدی دقیق، مقصدگرا، و تأثیرگذار است. تقابل‌های بلاغی به‌خوبی منتقل شده‌اند، اما کاهش شدت سجع از غنای ریتمیک کاسته است.

بخش ۵: نصیحت به بندگان

متن عربی: عِبَادَ اللَّهِ زِنُوا أَنْفُسَكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ تُوزَنُوا وَ حَاسِبُوا مِنْ قَبْلِ أَنْ تُحَاسَبُوا وَ تَنْفَسُوا قَبْلَ ضِيقِ الْخِنَاقِ وَ انْقَادُوا قَبْلَ عُنْفِ السِّيَاقِ وَ اعْلَمُوا أَنَّهُ مَنْ لَمْ يَعْنِ عَلَى نَفْسِهِ حَتَّى يَكُونَ لَهُ مِنْهَا وَاعِظٌ وَ زَاجِرٌ لَمْ يَكُنْ لَهُ مِنْ غَيْرِهَا لَآ زَاجِرٌ وَ لَآ وَاعِظٌ (صبحی صالح، ۲۰۰۴، ص. ۱۲۳).

ترجمه‌ی شهیدی: بندگان خدا! کردار و گفتار خود را بسنجید، پیش از آنکه آن را بسنجند، و حساب نفس خویش را برسید پیش از آن که به حسابتان برسند. فرصت را غنیمت دانید پیش از آن که مرگ گلویتان را بگیرد و نفس کشیدن نتوانید. رام و گردن نهاده به راه راست روید پیش از آنکه به سختی رانده شوید. و بدانید آن کس که نتواند خود را پند دهد تا از گناه باز دارد، دیگری را نیابد تا این کار را برای او به جای آرد (شهیدی، ۱۳۷۸، ص. ۷۳).

• معنایی-واژگانی :

○ معادل‌یابی: «ضِيقِ الْخِنَاقِ» به «مرگ گلویتان را بگیرد» و «زُنُوا أَنْفُسَكُمْ» به «کردار و گفتار خود را بسنجید» ترجمه شده‌اند که دقیق و تأثیرگذارند .

○ تعادل فرهنگی: واژه‌های «فرصت»، «نفس»، و «راه راست» با فرهنگ دینی و اخلاقی فارسی سازگارند و برای مخاطب قابل فهم هستند .

○ بسط یا قبض: بسط در «فرصت را غنیمت دانید» معنای عجله در بهره‌گیری از فرصت را روشن‌تر کرده است .

○ رفع ابهام: «ضِيقِ الْخِنَاقِ» با «مرگ گلویتان را بگیرد» به‌خوبی ابهام را برطرف کرده و مفهوم فوریت مرگ را منتقل کرده است.

• سبکی-عملی :

○ حفظ صور خیال: استعاره‌ی «ضِيقِ الْخِنَاقِ» با «مرگ گلویتان را بگیرد» به‌خوبی حفظ شده و تأثیر عاطفی و اخلاقی متن را منتقل می‌کند .

○ ریتم و موسیقی کلام: سجع («مَنْ قَبْلُ أَنْ») با «پیش از آنکه» بازآفرینی شده و ریتم نصیحت‌گونه متن حفظ شده است .

○ **نثر موزون:** نثر شهیدی نصیحت‌گونه، روان، و تأثیرگذار است و لحن اخلاقی و عاطفی متن اصلی را به‌خوبی منتقل کرده است.

• **یافته:** ترجمه‌ی شهیدی دقیق، تأثیرگذار، و کاملاً وفادار به لحن نصیحت‌گونه است. این بخش بهترین عملکرد را در انتقال مفاهیم و ویژگی‌های بلاغی نشان می‌دهد.

جمع‌بندی یافته‌ها

ترجمه‌ی شهیدی در سطح معنایی-واژگانی بسیار موفق بوده و با معادل‌یابی دقیق و بسط توضیحی، مفاهیم دینی و پیچیده را برای مخاطب فارسی‌زبان قابل‌فهم کرده است. در سطح سبکی-عملی، لحن والا، ایجاز، و صور خیال مانند استعاره و تقابل‌های بلاغی به‌خوبی حفظ شده‌اند، اما سجع به دلیل محدودیت‌های زبانی در اکثر بخش‌ها کاهش یافته است. این ترجمه مقصدگرا، روان، و تأثیرگذار است و با وجود برخی ساده‌سازی‌ها و کاهش ریتم سجع‌دار، مفاهیم دینی و زیبایی‌های ادبی خطبه‌ی ۹۰ را با موفقیت منتقل کرده است.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها:

این پژوهش کیفیت ترجمه‌ی سیدجعفر شهیدی از خطبه‌ی ۹۰ نهج‌البلاغه را با استفاده از الگوی کارمن والرو گارسس در دو سطح معنایی-واژگانی و سبکی-عملی بررسی کرد. در سطح معنایی-واژگانی، ترجمه‌ی شهیدی بسیار موفق بوده و با معادل‌یابی دقیق و رویکرد مقصدگرا، مفاهیم پیچیده‌ی دینی را به گونه‌ای روان و قابل فهم برای مخاطب فارسی زبان منتقل کرده است. استفاده از بسط توضیحی در این ترجمه به تسهیل درک مفاهیم دشوار کمک کرده و تعادل فرهنگی بین زبان مبدأ و مقصد را به خوبی حفظ کرده است.

در سطح سبکی-عملی، ترجمه‌ی شهیدی توانسته لحن والا و ایجاز متن اصلی را حفظ کند و برخی ویژگی‌های بلاغی مانند استعاره و تقابل‌های کلامی را به خوبی منتقل نماید. با این حال، به دلیل محدودیت‌های ذاتی زبان فارسی در بازآفرینی نثر موزون، شدت سجع متن اصلی در اکثر موارد کاهش یافته است. این ترجمه می‌توانست با انتخاب واژگان موزون‌تر، ویژگی‌های ریتمیک و سجع‌دار خطبه را بهتر منتقل کند، هرچند همچنان در انتقال زیبایی‌های ادبی موفق بوده است.

نقاط قوت ترجمه‌ی شهیدی شامل دقت در معادل‌یابی، نثر روان و فصیح، حفظ لحن والا و ایجاز، و انتقال مؤثر مفاهیم دینی و ادبی است. کاستی‌های آن به کاهش سجع و ساده‌سازی برخی عبارات پیچیده محدود می‌شود. این مطالعه نشان داد که الگوی گارسس ابزار مؤثری برای ارزیابی کیفیت ترجمه‌های متون دینی و ادبی است، زیرا امکان تحلیل هم‌زمان وفاداری معنایی و بازآفرینی سبکی را فراهم می‌کند.

برای تحقیقات آینده، پیشنهاد می‌شود خطبه‌های دیگر نهج‌البلاغه با این الگو بررسی شوند تا الگوهای مشترک در ترجمه‌های موفق شناسایی شوند. مقایسه‌ی ترجمه‌ی شهیدی با سایر ترجمه‌های فارسی یا غیرفارسی می‌تواند به درک بهتر چالش‌های ترجمه‌ی متون بلاغی کمک کند. همچنین، تمرکز بر جنبه‌های خاص بلاغی، مانند سجع یا استعاره، و استفاده از چارچوب‌های مکمل می‌تواند تحلیل‌ها را غنی‌تر کند. در مجموع، ترجمه‌ی شهیدی نمونه‌ای برجسته از انتقال مفاهیم دینی و ادبی نهج‌البلاغه است و با تقویت بازآفرینی ویژگی‌های ریتمیک می‌تواند به سطح بالاتری از کیفیت دست یابد.

منابع و ارجاعات:

- احمدی بیغش، خ.، قمرزاده، م. (۱۴۰۰). بررسی حسن تعبیر برگزیده نهج البلاغه بر اساس سطح دوم مدل گارسس (مطالعه موردی: ترجمه فیض الاسلام، شهیدی، دشتی، جعفری، انصاریان، مکارم شیرازی). مجله مطالعات ادبی متون اسلامی زمستان ۱۴۰۰ - شماره ۳۱، ص ۱۸ - از ۱۱۷ تا ۱۳۴
- حاجی زاده، م.، فرهادی، پ. و فرهادی، ر. (۱۳۹۸). نقد و ارزیابی ترجمه محمد دشتی از نهج البلاغه براساس مدل گارسس (۱۹۹۴) (مطالعه موردی: ترجمه خطبه اول و حکمت‌های ۱ تا ۲۰). پژوهش‌های ترجمه در زبان و ادبیات عربی، دوره نهم، شماره ۲۱، دی ۱۳۹۸، صص. ۹-۴۴
- رحیمی خویگانی، م.، کرمی، ع. و باقری دهباز، ح. (۱۳۹۷). نقدی بر انتخاب‌های واژگانی محمد دشتی در ترجمه نهج البلاغه از منظر سطح معنایی - لغوی گارسس. نشریه پژوهش‌های ترجمه در زبان و ادبیات عربی، دوره هشتم، شماره ۱۹، صص. ۹-۳۲
- شهیدی، سیدجعفر. (۱۳۷۸). نهج البلاغه (چاپ چهاردهم). انتشارات علمی و فرهنگی. ص ۷۳
- صبحی صالح. (۲۰۰۴). نهج البلاغه (چاپ چهارم). دارالکتاب اللبنانی. صص ۱۲۲-۱۲۳
- متقی‌زاده، ع.، حاجی خانی، ع. و مدیری، س. (۱۴۰۰). ارزیابی کیفیت ترجمه حکمت‌های نهج البلاغه با تکیه بر مدل کارمن گارسس (مطالعه موردی ترجمه شهیدی و دشتی). پژوهش‌های ادبیات تطبیقی تابستان ۱۴۰۰، دوره نهم - شماره ۲، ص. ۳۵ - از ۵۳ تا ۸۷
- Valero-Garcés, C. (۲۰۰۸). First steps in TISP research: The difficult task of breaking new ground! In C. Valero-Garcés & C. Pena (Eds.), Research and practice in public service translation and interpreting: Challenges and alliances. Alcalá de Henares: University of Alcalá Press